



Effective factors on banking transparency in Iran; Panel data approach

Mousa Shahbazi Ghiasi ¹ | Seyyed Javad Kashi Zadeh ^{2*}

Research Paper

Received:
26 January 2024
Revised:
20 May 2024
Accepted:
4 June 2024
Published:
8 October 2024ISSN: 2717-1809
E-ISSN: 2717-199x

Abstract

The different nature of banks compared to other economic enterprises in terms of money creation power doubles the importance of transparency in banks. In this research, the index of the adherence of the members of the banking network to the transparency components of the Ball Committee was designed and calculated based on the research of Barth, Kapiro and Levin (2013), and the results showed that the country's banking network has not been able to fully adhere to the transparency components. In order to identify the factors affecting the transparency of banks, this research examines the relationship between transparency and factors related to bank ownership, financial intermediation of banks, risk taking of banks and banks' market. The results of this research, using the random effect panel regression method, show that in the financial intermediation sector, more profitable banks have acted more transparently and regularly in the depth and timing of information release. This greater transparency in banks with higher profitability can be attributed to the collective pressure of shareholders who are attracted to the market due to the bank's profits. In the factors related to banks' risk-taking, balanced assets, capital adequacy ratio and having more government bonds lead to an increase in the transparency of the members of the country's banking network. In the same way, the increase in investment in stocks leads to an increase in risk-taking and a decrease in the transparency of banks. The increase in the balance of receivables from subsidiaries and affiliates as the most important indicator available for the banking of banks, as well as the increase in doubtful receivables leads to a decrease in the transparency of banks. Among market variables, the ratio of book value to market value leads to a decrease in transparency.

Keywords: Transparency, Banking system, Financial Intermediate, Risk Taking, Market.

DOR: 20.1001.1.27171809.1403.5.3.3.4

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Islamic Council Research Center, Tehran, Iran.
shahbazymusa@gmail.com
2. Doctoral student of economic sciences, Khatam University, Tehran, Iran.

This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution Non-Commercial (CC-BY-NC) license.





۲

سال پنجم
پاییز ۱۴۰۳
صص: ۸۹-۶۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۱/۰۶

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۲/۳۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۳/۱۵

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۷/۱۷

شاپا چاپی: ۲۷۱۷-۱۸۰۹
الکترونیکی: x: ۲۷۱۷-۱۹۹



مؤلفه‌های مؤثر بر شفافیت بانکی در ایران؛ رویکرد داده‌های تابلویی

موسی شهبازی غیائی^۱ | سیدجواد کاشی زاده^۲

چکیده

ماهیت متفاوت بانک‌ها نسبت به دیگر بنگاه‌های اقتصادی از حیث قدرت خلق پول، اهمیت شفافیت را در بانک‌ها دوچندان می‌کند. در این پژوهش شاخص میزان پایبندی اعضای شبکه بانکی به مؤلفه‌های شفافیت کمیته بال برگرفته از پژوهش باومن و نیر (2005) بر اساس داده‌های در دسترس محاسبه گردید که نتایج نشان داد شبکه بانکی کشور نتوانسته است پایبندی کامل به مؤلفه‌های شفافیت داشته باشد. در راستای شناسایی عوامل مؤثر بر شفافیت بانک‌ها، این پژوهش به بررسی ارتباط میان شفافیت با عوامل مرتبط با مالکیت بانک‌ها، واسطه‌گری مالی بانک‌ها، ریسک‌پذیری بانک‌ها و بازار بانک‌ها می‌پردازد. نتایج این پژوهش با استفاده از روش رگرسیون پنل رندوم افکت نشان می‌دهد در بخش واسطه‌گری مالی، بانک‌های سودآورتر در عمق و زمان‌بندی انتشار اطلاعات شفاف و منظم‌تر عمل کرده‌اند. این شفافیت بیشتر در بانک‌های با سودآوری بالاتر را می‌توان به فشار جمعی سهام‌دارانی که به دلیل سود بانک در بازار جذب آن شده‌اند نسبت داد. در عوامل مربوط به ریسک‌پذیری بانک‌ها، دارایی‌های موزون، نسبت کفایت سرمایه و داشتن اوراق دولتی بیشتر منجر به افزایش شفافیت اعضای شبکه بانکی کشور می‌شود. به همین ترتیب افزایش سرمایه‌گذاری در سهام منجر به افزایش ریسک‌پذیری و کاهش شفافیت بانک‌ها می‌گردد. افزایش مانده مطالبات از شرکت‌های فرعی و وابسته به‌عنوان مهم‌ترین شاخص در دسترس برای بنگاه‌داری بانک‌ها، و همچنین افزایش مطالبات مشکوک‌الوصول منجر به کاهش شفافیت بانک‌ها می‌شود. در میان متغیرهای بازار نیز نسبت ارزش دفتری به ارزش بازاری منجر به کاهش شفافیت می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شفافیت، شبکه بانکی، واسطه‌گری مالی، ریسک‌پذیری، بازار

DOR: 20.1001.1.27171809.1403.5.3.3.4

۱. نویسنده مسئول: استادیار، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران. shahbazymusa@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران.

این مقاله یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت شرایط و ضوابط مجوز (CC BY-NC) Creative Commons Attribution Non-Commercial

توزیع شده است.



مقدمه و بیان مسئله

افشای شفاف و بدون ارزش اطلاعات جنبه کلیدی حاکمیت شرکتی در هر سازمانی است. این افشای شفاف مالی در کنار مزایای بسیار، سرمایه‌گذاران احتمالی را برای تأمین مالی فرصت‌های سرمایه‌گذاری جذب می‌کند. اهمیت افشا برای سرمایه‌گذار بسیار مهم است؛ زیرا درک مشترک در مورد سازمان از درک ساختار، عملیات و فرایندهای آن را آشکار می‌کند. سقوط بزرگ اخیر در اقتصاد جهانی مانند Enron یا World COM استاندارد ضعیف افشا را در صورت‌های مالی آنها نشان می‌دهد و اهمیت جنبه افشا را در بدنه جریان اصلی تحقیقات برجسته می‌کند (Zaman and et.al, 2014:155)

شفافیت در نظام مالی و به طور خاص در نظام بانکی به دلیل احتمال ایجاد ریسک‌های سیستمی اهمیت بسیار زیادی نسبت به سایر بنگاه‌ها دارد. شفافیت می‌تواند بانک را از ارائه محصولات سفته‌بازانه‌ای که به تنهایی به نفع بانک است، باز دارد. بانک‌ها باید اطلاعات مربوط به حقوق مشتری و محصولات/خدمات بانکی را تاحدامکان واضح و بدون استثنا کردن اصول مخفی تجارت بانکی ارائه دهند. اطلاعات مربوط به فعالیت‌های تجاری مانند محصولات خدماتی نباید مخفی شود یا به‌خوبی به مشتریان اطلاع داده نشود (Nasution, et.al.2020)

وجود بازارهای مالی شفاف به انتظام بانک‌ها توسط بازار کمک می‌کند، اگرچه این سازوکار مستلزم وجود اطلاعات کامل است که خود با چندین مشکل همراه است. اول آنکه باوجود صندوق‌های ضمانت سپرده، سپرده‌گذاران انگیزه‌ای برای تمایز میان بانک‌های خوب و بد ندارند. مشکل بعدی به پیچیدگی فعالیت‌های بانک‌ها مربوط می‌شود (Gorton, 2013)

در کنار اهمیت موضوع شفافیت برای بانک‌ها، بدینی‌هایی نیز در این زمینه وجود دارد. اولاً، می‌توان استدلال کرد که بانک‌ها ذاتاً مؤسسات غیرشفاف هستند و افزایش افشای اطلاعات ممکن است نتواند به طور محسوس این را تغییر دهد هرچند فشار برای افزایش انضباط و افشای بازار ممکن است روشنگر باشد. اما باید به‌خاطر داشت که با چه چیزی سروکار داریم. آن‌گونه که مورگان (۲۰۰۲) در این خصوص استعاره به کار برده و می‌گوید «بانک‌ها ممکن است سیاه‌چاله‌های

جهان باشند - بسیار قدرتمند و تأثیرگذار و تا حدی غیرقابل درک» (Baumann and Nier, 2006).

سطح افشای یک پدیده ذهنی است و به قانون و زیرساخت کشور مورد مطالعه بستگی دارد (Zaman, 2014, p.156). بر همین اساس سیاستگذار بانکی باید به این موضوع توجه نماید که عدم شفافیت در چه حوزه‌ها و اطلاعاتی از بانکها موجب ایجاد ریسک برای بانک و اقتصاد می‌شود. بر همین اساس بانک مرکزی به تبعیت از رهنمودهای بین‌المللی در کمیته بازل، دستورالعمل حداقل الزامات ناظر بر شفافیت بانکها و موسسات اعتباری غیربانکی را در سال ۱۳۹۳ به شبکه بانکی کشور با اولویت بانکهای غیردولتی ابلاغ نمود. حال سوال اساسی این است که چه عواملی بر سطح افشای بانکها اثرگذار است. این پژوهش درصدد است ضمن برآورد شاخص شفافیت به تفکیک هر یک از بانکها، با استفاده از روش برآورد داده‌های تابلویی به شناسایی عوامل موثر بر شفافیت بانکی بپردازد. با توجه به اهمیت یافتن مقوله شفافیت در نظام مالی و بانکی، آگاهی از عوامل موثر بر شفافیت یا عدم شفافیت بانکها می‌تواند ابزارهای نظارتی مناسبی را در اختیار سیاستگذاران قرار دهد.

مبانی نظری پژوهش

در پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص شفافیت بانکی و عوامل مؤثر بر آن به چند دسته عوامل توجه زیادی شده است. برخی کیفیت تنظیم‌گری افشای، کسب اطلاعات خصوصی و افشای اطلاعات را به عنوان سه متغیر شفافیت بانکی معرفی کرده‌اند (Tadesse, 2006). باومن و نیر^۱ (۲۰۰۳) سه شاخص از افشای اطلاعات را برای بانکها ارائه کرده‌اند. شاخص اول نشان می‌دهد که بانکی که به صورت عمومی در بازارهای مالی معامله می‌شود باید خود را با قوانین الزام‌آور افشای اطلاعات مورد نیاز این بازارها هماهنگ کند که شفافیت آن را تضمین می‌کند. شاخص دوم بر اساس رتبه بانکی است که توسط یک آژانس رتبه‌بندی سطح بین‌المللی (استاندارد و پورز، مودی یا فیچ) تخمین زده می‌شود. سومین معیار افشای مشتمل بر ریسک نرخ بهره، ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک بازار مبتنی بر صورت‌های مالی بانکها است.

1. Baumann, U.; Nier, E. f

معیار ریسک همچنین در تحقیقات دیگری نظیر باومن و نیر (۲۰۰۶) و نیر (۲۰۰۵) به عنوان نماینده‌ای برای شفافیت بانک استفاده شده است.

دوسیا (۲۰۱۱) به طراحی شاخص شفافیت بر مبنای مصوبات کمیته بازل می‌پردازد و نشان می‌دهد که متغیرهای مرتبط با بازدهی تأثیر مثبتی بر روی شفافیت بانک دارند و افزایش میزان ریسک‌پذیری بانک رابطه منفی تنگاتنگی با شفافیت آن دارد.

در یک طبقه‌بندی دیگر بر مبنای مطالعه بن و دوسیا، عوامل شفافیت در چند دسته مختلف طبقه‌بندی می‌شوند. دسته اول عوامل مرتبط با تفاوت اعضای شبکه بانکی در واسطه‌گری مالی^۱ است. در واقع این دسته از عوامل به بررسی این موضوع می‌پردازند که تفاوت عملکرد بانک‌ها در دو سمت ترازنامه شامل سپرده‌گیری و متعاقباً اعطای تسهیلات بانک‌ها، و همچنین تفاوت در میزان سود و سرمایه چه تأثیری بر روی میزان پایداری آن‌ها به دستورالعمل‌های مرتبط با شفافیت است. دسته دوم عوامل تأثیرگذار به بررسی میزان ریسک‌پذیری بانک‌ها در فعالیت‌های متنوع می‌پردازد. اولین متغیر در این دسته دارایی موزون بانک است. دارایی موزون ریسک‌داری‌های بانک یا مواجهه‌های خارج از ترازنامه است که بر اساس ریسک وزن شده است. این نوع محاسبه دارایی در تعیین سرمایه موردنیاز یا نسبت کفایت سرمایه برای یک مؤسسه مالی استفاده می‌شود. بانک‌ها دارایی‌های موزون شده با ریسک را با ضرب مقدار مواجهه در وزن ریسک مربوطه برای نوع وام یا دارایی محاسبه می‌کنند. یک بانک این محاسبه را برای تمام وام‌ها و دارایی‌های خود تکرار می‌کند و آن‌ها را با هم جمع می‌کند تا کل دارایی‌های موزون شده بر اساس ریسک اعتباری را محاسبه کند. دارایی موزون ریسک بالا به این معنی است که دارایی‌های نگهداری شده دارای ریسک هستند و برای نگهداری نیاز به سرمایه بالاتری دارند. دارایی با وزن کم به این معنی است که دارایی‌های نگهداری شده دارای ریسک کمتری هستند و برای نگهداری به سرمایه کمتری نیاز دارند. دومین متغیر حوزه ریسک بانک‌ها میزان سرمایه‌گذاری در سهام آن‌ها است. از آنجایی که بانک در سمت بدهی‌های خود سپرده‌هایی در اختیار دارد که ملزم به پرداخت سود تضمین شده بر روی آن‌ها است، هرچه قدر سمت دارایی‌ها سرمایه‌گذاری‌های ریسکی‌تری انجام بدهد، خود را بیشتر در معرض ورشکستگی قرار داده است. یکی از این سرمایه‌گذاری‌ها،

سرمایه‌گذاری در بازار سهام است. با این جنس سرمایه‌گذاری، بانک عملاً خود را در معرض ریسک بازار^۱ قرار داده است. مسئله سرمایه‌گذاری بانک‌ها در سهام یکی از مهم‌ترین مصادیق کژمنشی^۲ است. دلیل این امر نیز این است که بانک در مقابل زیان‌های احتمالی در سرمایه‌گذاری با توجه به مسئولیت محدود بودن می‌تواند برای خود سپری درست کرده و در صورت سود سرمایه‌گذاری‌های ریسکی باقی‌مانده خالص از سود سپرده را برای خود برمی‌دارد. در واقع بانک در این حالت نوعی سرمایه‌گذاری را برگزیده است که زیان آن به پای سپرده‌گذار و سود آن برای بانک است. در نتیجه این ریسک‌پذیری بانک می‌تواند در گاهی برای عدم شفافیت بانک تلقی بشود. از طرف دیگر هرچه قدر پایداری بانک به خرید اوراق دولتی بیشتر گردد عملاً ریسک سرمایه‌گذاری خود را کاهش داده است و در نتیجه تمایل بیشتری به شفافیت خواهد داشت. سومین متغیر ریسک که یکی از مهم‌ترین ارکان سلامت بانک تلقی می‌شود نسبت کفایت سرمایه^۳ است. سومین متغیر مهم ریسک بانک‌ها مانده مطالبات بانک از شرکت‌های فرعی و وابسته است. این متغیر به عنوان یک متغیر مهم برای حاکمیت شرکتی بانک‌ها بشمار می‌آید. دقت می‌کنیم که وام‌دهی بانک‌ها به شرکت‌های زیرمجموعه که مالکیت زیر پنجاه درصد آن را دارند در پیوست‌های صورت‌های مالی ثبت نمی‌شود. در نتیجه این امر می‌تواند منجر به فرصتی بشود تا وام‌دهنده از طریق ساختار هر می‌اقدام به وام‌دادن به شرکت کرده و سود حاصل را در خودبانک نگه دارد. در نتیجه هرچقدر میزان مطالبات بانک از شرکت‌های فرعی و زیرمجموعه بیشتر گردد، انتظار می‌رود تمایل بانک برای شفافیت کاهش یابد. به همین ترتیب هرچقدر میزان مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌ها افزایش یابد انتظار می‌رود که بانک به دلیل عدم موفقیت در بازتوزیع منابع مردمی تمایل کمتری برای شفاف‌سازی داشته باشد. متغیر مهم بعدی نسبت بدهی‌های غیر جاری بدهکاران کلان بانکی به میزان وام اعطایی به آنان است. از آنجایی که رابطه تنگاتنگی بین نکول وام‌های کلان بانک‌ها و سلامت نهاد ناظر بانک بر روی گیرنده تسهیلات وجود دارد، این نسبت می‌تواند تأثیر مهمی بر روی تصمیم بانک‌ها برای نحوه انتشار اطلاعات داشته باشد. متغیرهای بعدی طلب از دولت و طلب‌های غیردولتی است. دسته آخر از متغیرهای کنترلی

1. Market risk
2. Moral hazard
3. Capital adequacy ratio

متغیرهای بازار بانک‌ها است که شامل تعداد سهام، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازاری، اندازه بازار و قیمت سهام خواهد بود. این رده از متغیرها از طریق فشار جمعی سهام‌داران خرد بر روی میزان شفافیت بانک‌ها تأثیر خواهد گذاشت.

پیشینه پژوهش

مقوله شفافیت و افشا در نظام بانکی هرچند دارای اهمیت زیادی در ثبات و سلامت بانکی دارد؛ ولی در بین تحقیقات علمی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از دلایل این کم‌توجهی به مطالعات شفافیت بانکی، نحوه کمی‌سازی مقوله شفافیت است. در ادامه به برخی مطالعات و پژوهش‌هایی که بیشترین ارتباط را با مسئله تحقیق حاضر داشته‌اند اشاره شده است و در انتها نیز تفاوت بین مطالعه حاضر با تحقیقات قبلی تبیین شده است.

کاویانی و فخر حسینی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به بررسی رابطه بین افشای شمولیت مالی (FI) و عملکرد بانک‌ها با تأکید بر نقش تعدیلی رقابت بازار و ساختار مالکیت پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افشای شمولیت مالی بر عملکرد بانک‌های تأثیر مثبت و معناداری دارد و رقابت بازار می‌تواند نقش تعدیلی در رابطه این دو متغیر ایفا کند. همچنین نتایج نشان داد که مالکیت دولتی بر رابطه بین افشای شمولیت مالی و عملکرد بانک تأثیر معناداری ندارد.

آرین تبار و دیگران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای به بررسی نقش عدم شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت حسابرسی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و هم‌زمان قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه نخست پژوهش نشان داد که بین مالیات تهاجمی و هم‌زمان قیمت سهام رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های فرضیه دوم نشان داد که عدم شفافیت اطلاعات مالی بر رابطه بین مالیات تهاجمی و هم‌زمان قیمت سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نهایت یافته‌های سومین فرضیه پژوهش نیز بیانگر این بود که حسابرسی با کیفیت بالا مالیات تهاجمی را محدود کرده و هم‌زمانی قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

مهرانی و محمدی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای به بررسی تاثیر عدم شفافیت بانکی بر توانایی مقام نظارتی برای اعمال سیاست نظارتی چشم پوشی در دوران بحران بانکی پرداختند. نتایج این

پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر وجود بحران در سال‌های بررسی شده، بین عدم شفافیت بانکی و چشم پوشی مقام نظارتی، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و این رابطه در این دو حالت قوی تر خواهد شد: نخست اینکه انگیزه‌های مقام نظارتی برای چشم پوشی بیشتر باشد و دوم، انگیزه‌های افراد برون سازمانی برای نظارت بیشتر باشد. بر اساس نتایج به دست آمده، عدم شفافیت بانکی با احتمال ورشکستگی طی دوران بحران بانکی رابطه منفی و معناداری دارد.

اینو^۱ (۲۰۱۹) به این سؤال می‌پردازد که آیا شفافیت و افشا بر عملکرد مالی بانک‌ها تأثیر دارد. تجزیه و تحلیل این مطالعه نشان می‌دهد که افشا و شفافیت بیشتر، حساسی و تطبیق را بهبود داده و مدیریت ریسک بهتر بر عملکرد مالی مؤسسات مالی تأثیر مثبت دارد. از نظر اهمیت، نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با افزایش سطح افشا و شفافیت در امور مدیریتی، عملکرد مؤسسات مالی - از نظر کیفیت پرتفوی وام، نقدینگی و سودآوری سنجیده شده - به میزان ۰/۳۰۴۶ افزایش می‌یابد که تأثیر آن از نظر آماری در سطح یک درصد معنی‌دار است. همچنین با افزایش سطح حساسی و میزان انطباق با مقررات بانکی، عملکرد مالی بانک‌ها ۰/۳۳۰۹ بهبود می‌یابد.

زمان^۲ و دیگران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی شفافیت و افشا و رابطه آن با حکمرانی شرکتی در بخش بانکی پاکستان پرداختند. به منظور اندازه‌گیری شفافیت و افشا، این مطالعه شاخص شفافیت و افشا را ایجاد کرده که رتبه‌بندی چند عاملی شرکت برای آن انجام شد. شاخص به سه زیر دسته تقسیم می‌شود: شامل شش عامل برای هیئت مدیره و ساختار مدیریت، هفت عامل برای مالکیت و هشت عامل برای شفافیت مالی و افشا که برای هر بانک ۲۱ نماینده در گزارش سالانه انتخاب شده است. وزن دهی بر اساس قضاوت ذهنی بوده که عدد ۱ را در صورت انطباق با آن نماینده و ۰ برای عدم انطباق اختصاص می‌دهد. با در نظر گرفتن میانگین امتیاز همه زیر گروه‌ها، شاخص شفافیت و افشا به دست آمده است.

کمیته بازل (۲۰۱۲) به تعریف برخی خصوصیات کیفی اطلاعات شفاف در بانک‌ها می‌پردازد و بیان می‌دارد جامعیت، ارتباط و ملموس بودن اطلاعات اصلی‌ترین مؤلفه‌های شفافیت بازارهای مالی شناخته می‌شوند. به همین ترتیب این کمیته ریسک‌های موجود در نظام بانکی را در چهار

1. Oino, I

2. Zaman and et.al.

گروه اصلی ریسک اعتباری^۱، ریسک نقدینگی^۲، ریسک بازار^۳ و ریسک عملیاتی^۴ طبقه‌بندی می‌کند.

مدرکیان و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی سودمندی بندهای گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی را در شفافیت صورت‌های مالی بانک‌های تجاری دولتی مورد ارزیابی قرار داده‌اند. جامعه آماری در این پژوهش شامل بندهای ۳۰ فقره گزارش حسابرسی است که با استفاده از روش آماری توزیع دوجمله‌ای در طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۲ مورد آزمون قرار گرفته است. این پژوهش دربرگیرنده یک فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی است. نتایج پژوهش حکایت از رد فرضیه اصلی دارد، یعنی بندهای گزارش حسابرسی نتوانسته است در شفافیت صورت‌های مالی مؤثر باشد.

دوسیا^۵ (۲۰۱۱) به طراحی شاخص شفافیت بر مبنای مصوبات کمیته بازل و بررسی عوامل مؤثر بر این شاخص می‌پردازد و نشان می‌دهد که متغیرهای مرتبط با بازدهی تأثیر مثبتی بر روی شفافیت بانک دارند و افزایش میزان ریسک‌پذیری بانک رابطه منفی تنگاتنگی با شفافیت آن دارد.

کالومیریس و میسن^۶ (۲۰۰۳) با استفاده از داده‌های مرتبط با بحران‌های مالی بزرگ دنیا نشان می‌دهند که خساراتی که از ناحیه ریسک‌های موجود به‌نظام بانکی وارد می‌شود نه تنها به‌صورت مستقیم سپرده‌گذاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تأثیر منفی قابل توجهی بر روی مؤلفه‌های کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی خواهد گذاشت.

مهم‌ترین وجه تمایز مطالعه حاضر با سایر مطالعات صورت گرفته در این حوزه این است که در این پژوهش مبتنی بر مبانی نظری و چارچوب ارائه شده در کمیته بازل، به شناسایی و اندازه‌گیری میزان شفافیت در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور با مراجعه به داده‌های واقعی منتشر شده در صورت‌های مالی بانک‌ها پرداخته شده است و بر اساس مبانی نظری پژوهش، اثر مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام بانکی بر شاخص شفافیت مورد بررسی قرار گرفته است.

1. Credit risk
2. Liquidity risk
3. Market risk
4. Operational risk
5. Douissa, I. B.
6. Calomiris, C. W., & Mason, J. R.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش پس از جمع‌آوری داده‌های مربوط به شفافیت در ابتدا با روش کمی‌سازی به طراحی شاخص شفافیت بانکی بر اساس داده‌های صورت‌های مالی پرداخته می‌شود و سپس با استفاده از روش رگرسیون پدل به بررسی عوامل مؤثر بر شفافیت اعضای شبکه بانکی پرداخته خواهد شد.

منظور از شفافیت در این پژوهش انتشار عمومی اطلاعات به صورت قابل اتکا، جامع و منظم در جهت افزایش دقت تصمیم‌گیرندگان اقتصادی در تحلیل شرایط مالی و عملکرد، فعالیت‌های مرتبط با کسب و کار، پروفایل ریسک و نحوه مدیریت ابعاد مختلف ریسک بانک است که از طریق انتشار اطلاعات متغیرهای مرتبط با وضعیت موجود بانک اعم از عوامل مؤثر بر ساختار حاکمیتی، متغیرهای مرتبط با صورت‌های مالی اندازه‌گیری می‌شود.

برای محاسبه شاخص شفافیت هر یک از بانک‌ها در این پژوهش تلاش شد بر مبنای ادبیات موجود و باتکیه بر دستورالعمل شفافیت سال ۱۳۹۳ شورای پول و اعتبار که بر مبنای کمیته بازل بوده است، شاخصی برای شفافیت نظام بانکی متشکل از ۳۵ متغیر مرتبط با بخش‌های اصلی عمق افشای اطلاعات^۱ و زمان‌بندی افشای اطلاعات^۲ طراحی گردد (پیوست). این اطلاعات از صورت‌های مالی بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی استخراج شده است. روش‌شناسی این پژوهش برای طراحی شاخص شفافیت برگرفته از پژوهش باومن و نیر^۳ (۲۰۰۵) می‌باشد که در آن برای حالات مختلف نظارتی اعداد متناسب و متفاوتی در نظر گرفته شده است.

پس از محاسبه شاخص شفافیت برای شبکه بانکی، تعیین عوامل مؤثر بر این شاخص حائز اهمیت است. در این پژوهش متغیر وابسته شاخص شفافیت و متغیرهای مستقل مجموعه‌ای از عوامل و متغیرهای مرتبط با مالکیت بانک‌ها، واسطه‌گری مالی بانک‌ها، ریسک‌پذیری بانک‌ها و بازار بانک‌ها بر مبنای مطالعه دوسیا (2011) است. در عین حال با توجه به ساختار نظام بانکی کشورمان تلاش شده است بعضی از عوامل به صورت بالقوه تأثیرگذار نیز کنترل شود. به عنوان

1. The information completeness
2. The timing of information disclosure
3. Baumann and Nier

نمونه نوع مالکیت مؤسسه اعتباری اعم از دولتی، خصوصی یا خصوصی شده می‌تواند نقش بسزایی در انتشار اطلاعات مرتبط با شفافیت ایفا کند.

عوامل مربوط به ساختار مالکیت بانکی شامل نوع مالکیت خصوصی یا دولتی، بورسی، فرابورسی یا غیر بورسی بودن است. در متغیر واسطه‌گری مالی^۱ میزان سپرده، حقوق صاحبان سهام و میزان سودآوری بانک مورد توجه قرار گرفته است. دسته سوم عوامل تأثیرگذار به بررسی میزان ریسک‌پذیری بانک‌ها در فعالیتهای متنوع می‌پردازد. مجموعه متغیرهای این دسته شامل دارایی موزون به ریسک، نسبت کفایت سرمایه، میزان سرمایه‌گذاری در سهام، مانده مطالبات از شرکت‌های فرعی و وابسته به عنوان یک متغیر مهم برای بنگاه‌داری بانک، میزان مطالبات مشکوک‌الوصول، درصد نکول تسهیلات کلان اعطایی، مطالبات از دولت و مطالبات از بخش غیردولتی است. دسته آخر از متغیرهای کنترلی متغیرهای بازار بانک‌ها است که شامل تعداد سهام، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازاری، اندازه بازار و قیمت سهام خواهد بود. این رده از متغیرها از طریق فشار جمعی سهام‌داران خرد بر روی میزان شفافیت بانک‌ها تأثیر خواهد گذاشت.

اطلاعات مرتبط با قیمت، تعداد معاملات و حجم معاملات سهام بانک‌ها از شرکت مدیریت فناوری بورس تهران^۲ جمع‌آوری شده است. دسته دوم داده‌ها، اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی بانک‌ها است که از تارنمای کدال و همچنین وب‌سایت بورس‌ویو^۳ جمع‌آوری شده است.

برای تبیین عوامل مؤثر بر میزان شفافیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور از روش رگرسیون پنل رندوم افکت^۴ استفاده شده است. در رگرسیون پنل رندوم افکت فرض بر آن است که خطای رگرسیون هیچ‌گونه همبستگی با متغیرهای مستقل ندارد. ارتباط متغیرها در رگرسیون پنل رندوم افکت توسط رابطه زیر تعیین می‌گردد:

$$T_{it} = \beta_0 + \beta_1 PR_{it1} + \beta_2 FI_{it2} + \beta_3 R_{it3} + \beta_4 M_{it4} + u_i + \epsilon_{it}$$

در رگرسیون بالا T_{it} متغیر شفافیت، PR_{it1} متغیر مرتبط با مالکیت بانکها، FI_{it2} متغیر مرتبط با واسطه‌گری مالی بانکها، R_{it3} متغیر مرتبط با ریسک‌پذیری بانکها، M_{it4} متغیر مرتبط با بازار

1. Financial Intermediation

2. Tehran Securities Exchange Technology Management Co (TSETMC)

3. www.bourseview.com

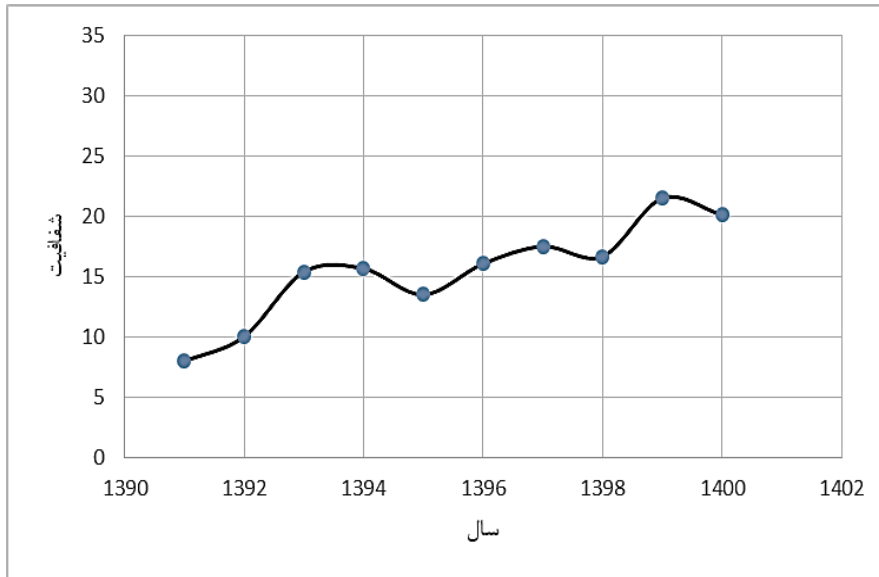
4. Random effect panel regression

مالی، u_i بخش ثابت خطای مدل و ε_{it} بخش متغیر خطای مدل می باشد. همانطور که در بالا ذکر شد در رگرسیون پنل رندوم افکت فرض بر آن است که $Corr(\varepsilon_{it}, X_{itk})$ صفر می باشد. برای اینکه تخمین انحراف معیار ضرایب رگرسیون دچار همبستگی بین گروهی^۱ نشود، انحراف معیار ضرایب علاوه بر تخمین ساده به صورت روباست^۲ و دسته بندی شده^۳ نیز تخمین زده شد. در تخمین صورت گرفته برای گزارش انحراف معیار خطای مدل از سه روش متفاوت بدون دسته بندی، تخمین مقاوم^۴ و تخمین دسته بندی شده^۵ برای کنترل همبستگی بین گروهی انحراف معیار خطای تخمین داده ها استفاده شده است. نرم افزار مورد استفاده برای تخمین مدل استت^۶ است.

یافته‌های پژوهش

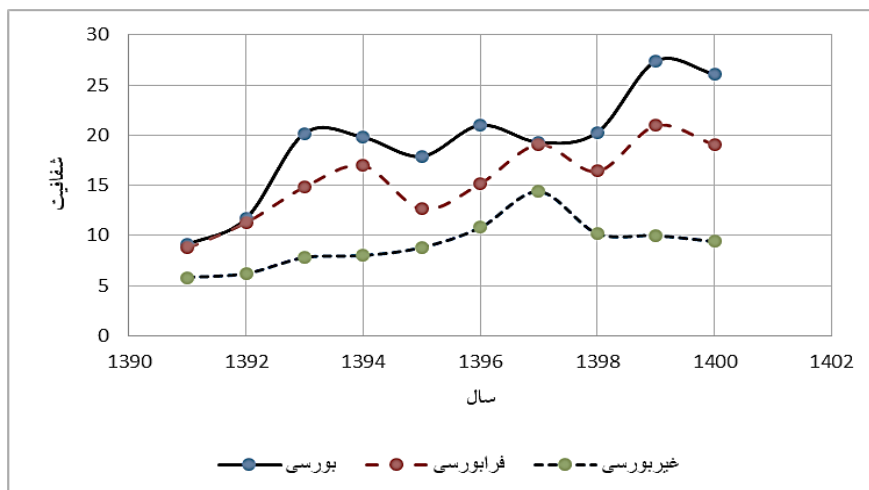
همان گونه که بیان شد، در این تحقیق شاخص شفافیت بانک‌ها مبتنی بر داده‌های افشا شده محاسبه شده است. نمودار (۱) شاخص میزان پایبندی شبکه بانکی کشور به افشای کامل و به موقع صورت‌های مالی در راستای دستورالعمل شفافیت نشان می‌دهد. همان طور که در نمودار (۱) مشاهده می‌گردد، تا قبل از ابلاغ دستورالعمل شفافیت در سال ۱۳۹۳، از ۳۵ مؤلفه در نظر گرفته شده برای شفافیت، به طور میانگین شبه بانکی به حدود ۸ مورد در سال ۱۳۹۱، ۱۰ مورد در سال ۱۳۹۲ و ۱۶ مورد در سال ۱۳۹۳ پایبند بوده است. پس از ابلاغ تا حدود سال ۱۳۹۵ تغییر چشمگیری در روند شفافیت کل شبکه بانکی ایجاد نشده است، اما از سال ۱۳۹۶، پایبندی به شفافیت در شبکه بانکی روند صعودی به خود گرفته است به نحوی که میانگین پایبندی به مؤلفه‌های مذکور به ۲۰ مورد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. به بیان دیگر میزان پایبندی شبکه بانکی کشور به مؤلفه‌های در نظر گرفته در دستورالعمل شفافیت از حدود ۴۲٪ در سال ۱۳۹۳ به ۵۷٪ در سال ۱۴۰۰ افزایش یافته است. اما علیرغم اینکه دستورالعمل ابلاغی بانک مرکزی برای بانکها الزامی بوده است کماکان با شفافیت کامل فاصله زیادی وجود دارد.

1. Intra-group correlation
2. Robust
3. Clustered
4. Robust standard errors
5. Clustered standard errors
6. Stata



مأخذ: محاسبات تحقیق.

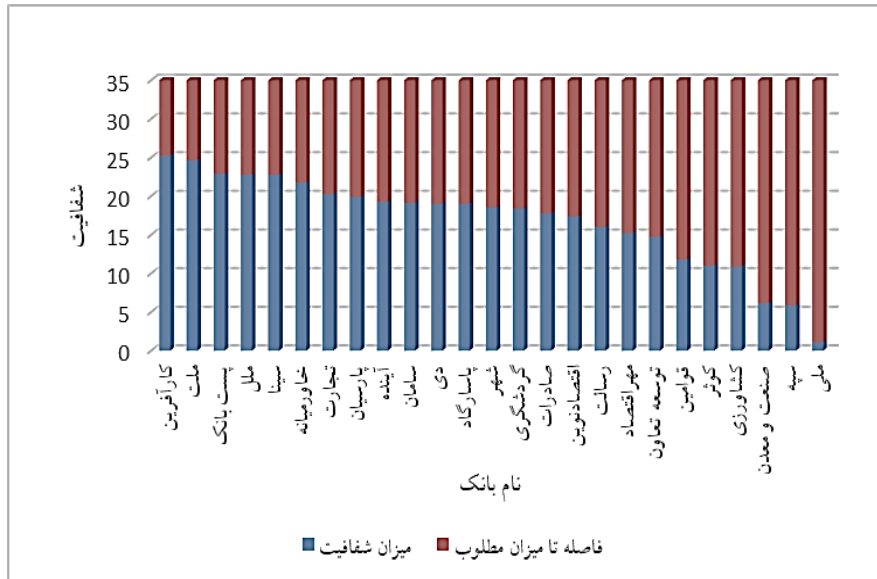
شکل ۱: شاخص شفافیت شبکه بانکی کشور



مأخذ: محاسبات تحقیقی.

شکل ۲: شاخص شفافیت بانک‌های بورسی، فرابورسی و غیربورسی

شکل (۳) نمودار میله‌ای برای میانگین شاخص شفافیت اعضای شبکه بانکی از سال ۱۳۹۳ را نشان می‌دهد. بخش آبی نمودار به میزان پایبندی اعضای شبکه بانکی به مولفه‌های شفافیت و بخش قرمز نمودار به فاصله با میزان مطلوب می‌پردازد. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، بانک ملی، بانک سپه و بانک صنعت معدن سه عضو شبکه بانکی با کمترین میزان پایبندی به دستورالعمل شفافیت، و بانک‌های کارآفرین، ملت و سینا بالاترین پایبندی را به دستورالعمل مذکور دارا می‌باشند. از آنجایی که بانک‌های قوامین، مهر اقتصاد، و اعتباری کوثر در انتهای سال ۱۳۹۷ در بانک سپه ادغام شده‌اند، میانگین شاخص برای این سه بانک برای قبل از ادغام در نظر گرفته شده است.



مأخذ: محاسبات تحقیق.

شکل ۳. میانگین نمره شفافیت شبکه بانکی ۹۹-۱۳۹۳

جداول زیر نتایج تخمین عوامل تأثیرگذار بر شاخص شفافیت را بر اساس سه روش تخمین و به تفکیک هریک از متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. ضرایبی که در سطح معناداری ده، پنج و یک درصد معنادار هستند با **،* و *** نشان داده شده‌اند. ستون‌های شماره ۱، ۲ و ۳ در جداول به ترتیب اشاره به سه روش متفاوت برای کنترل همبستگی بین گروهی انحراف معیار خطای تخمین^۱ داده‌ها می‌باشد. به طور مشخص ستون شماره ۱، بدون دسته بندی، ستون شماره ۲ مدل تخمین مقاوم و ستون سوم تخمین دسته بندی شده است.

1. controlling for intra-class correlation of idiosyncratic errors's standard erros

جدول ۱. نتایج تخمین مدل رگرسیون پنل برای عوامل مرتبط با مالکیت بانکها

متغیر	شفافیت (۱)	شفافیت (۲)	شفافیت (۳)
متغیرهای نوع مالکیت (PR)	12,11***	12,11***	12,11***
	(2.783)	(2.406)	(1.177)
	-3.892*	-3.892*	-3.892***
	(2.036)	(2.258)	(1.132)
	-13.6۲۱***	-13.6۲۱***	-13.6۲۱***
	(۴,۰۴۶)	(۳,۲۴۷)	(۳,۳۲۱)

انحراف معیار در پرانتز است.

* $p < 0.1$, ** $p < 0.05$, *** $p < 0.01$

جدول ۲. نتایج تخمین مدل رگرسیون پنل برای عوامل مرتبط با واسطه‌گری مالی

متغیر	شفافیت (۱)	شفافیت (۲)	شفافیت (۳)
متغیرهای واسطه‌گری مالی (FI)	7.609	7.609	7.609
	(13.15)	(9.842)	(6.592)
	0.155	0.155	0.155
	(0.360)	(0.256)	(0.267)

انحراف معیار در پرانتز است.

* $p < 0.1$, ** $p < 0.05$, *** $p < 0.01$

جدول ۳. نتایج تخمین مدل رگرسیون پنل برای عوامل مرتبط با ریسک‌پذیری بانکها

متغیر	شفافیت (۱)	شفافیت (۲)	شفافیت (۳)
متغیرهای ریسک‌پذیری بانکها (R)	1.570***	1.570***	1.570***
	(0.389)	(0.277)	(0.331)
	-2.767***	-2.767***	-2.767***
	(0.532)	(0.446)	(0.337)
	1.520***	1.520*	1.520***
	(0.854)	(0.842)	(0.658)
	25.127***	25.127***	25.127***
	(12.10)	(7.940)	(6.374)
	-0.553***	-0.553***	-0.553***
	(0.140)	(0.126)	(0.422)
	-0.794*	-0.794**	-0.794*
	(0.433)	(0.380)	(0.468)
-	-	-	

جدول ۳. نتایج تخمین مدل رگرسیون پنل برای عوامل مرتبط با ریسک پذیری بانکها

متغیر	شفافیت (۱)	شفافیت (۲)	شفافیت (۳)
اعطایی	۳۲,۴۵۲***	۳۲,۴۵۲***	۳۲,۴۵۲***
	(۸,۵۴۶)	(۹,۰۹۱)	(۷,۰۴۱)
مطالبات غیردولتی	۰.۱۸۵	۰.۱۸۵	۰.۱۸۵
	(۰.۹۸۷)	(۰.۶۹۸)	(۰.۵۶۵)
مطالبات از دولت	-۰.۹۴۱***	-۰.۹۴۱***	-۰.۹۴۱***
	(۰.۱۴۵)	(۰.۱۱۷)	(۰.۷۹۱)

انحراف معیار در پرانتز است.

* $p < 0.1$, ** $p < 0.05$, *** $p < 0.01$

جدول ۴. نتایج تخمین رگرسیون پنل برای عوامل مرتبط با بازار مالی

متغیر	شفافیت (۱)	شفافیت (۲)	شفافیت (۳)
تعداد سهام (میلیون)	-۰.۴۷۶	-۰.۴۷۶	-۰.۴۷۶
	(۰.۴۱۳)	(۰.۲۸۰)	(۰.۱۷۰)
قیمت سهم	-۰.۱۶۹	-۰.۱۶۹	-۰.۱۶۹
	(۰.۹۳۸)	(۰.۹۰۹)	(۰.۷۰۴)
اندازه بازار (میلیارد ریال)	-۰.۱۵۰	-۰.۱۵۰	-۰.۱۵۰
	(۰.۴۷۱)	(۰.۳۷۷)	(۰.۴۱۰)
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازاری	-۱.۲۲۷***	-۱.۲۲۷***	-
	(۰.۴۰۲)	(۰.۳۳۴)	۱.۲۲۷*** (۰.۱۵۹)

انحراف معیار در پرانتز است.

* $p < 0.1$, ** $p < 0.05$, *** $p < 0.01$

در ادامه به تفکیک هر یک از عوامل رابطه آن با شفافیت بر اساس نتایج تخمین توضیح داد می‌شود.

شفافیت و ساختار مالکیتی بانکها

اولین گروه متغیرهای تخمینی مربوط به نوع مالکیت بانکها است که در جدول (۱) اشاره شده است. ضریب تخمین شده برای بانکهای خصوصی نشانگر این است که این بانکها به‌طور متوسط حدود ۱۲ واحد شاخص شفافیت بیشتری را تجربه کرده‌اند. نکته مهم پیرامون تخمین

ضریب بانک‌های خصوصی این است که تفاوت شفافیت بانک‌های خصوصی و دولتی می‌توانست به این موضوع نسبت داده شود که بانک‌های خصوصی هم‌زمان در بازار بورس نیز حضور دارند و شفافیت بیشتر این بانک‌ها منوط به پایداری بیشتر آن‌ها به دستورالعمل شفافیت نیست، بلکه به دلیل پایداری به دستورالعمل‌های شفافیت سازمان بورس و اوراق بهادار است. در تخمین تأثیر عوامل مختلف بر روی شفافیت شبکه بانکی، به دلیل کنترل کردن بورسی، فرابورسی و یا غیربورسی بودن بانک این مشکل برطرف خواهد شد. به بیان دیگر کنترل کردن این متغیرها، اثر آن‌ها بر روی خصوصی یا دولتی بودن بانک‌ها را از مدل خارج می‌کند^۱ و خطای تخمین ضریب^۲ خصوصی یا دولتی بودن بانک را از میان برمی‌دارد. نتایج تخمین ضریب برای بانک‌های فرابورسی و غیربورسی نشان می‌دهد که بانک‌های فرابورسی به طور متوسط ۳٫۹ واحد و بانک‌های غیربورسی ۱۳٫۶ واحد شفافیت کمتری را ثبت کرده‌اند.

شفافیت و واسطه‌گری مالی

بر اساس اطلاعات جدول (۲) ضریب میزان سپرده بانک‌ها و همچنین حقوق صاحبان سهام که به عنوان کانال‌هایی برای اعمال فشار سپرده‌گذاران و سهامداران شمرده شده‌اند، معنادار نیست. ضریب تخمینی برای میزان سود، مثبت و معنادار در سطح اطمینان یک درصد می‌باشد. هر یک میلیون تومان افزایش سود به طور میانگین باعث افزایش ۱٫۳۴ واحدی میزان پایداری به مؤلفه‌های شفافیت خواهد شد. رابطه به دست آمده مثبت میان سودآوری و شفافیت بانک منطبق بر یافته‌های مقاله دوسیا (2011) می‌باشد. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که رابطه مثبتی بین بازدهی روی دارایی^۳ و بازدهی روی سهام^۴ بانک‌ها با شفافیت آن‌ها وجود دارد. دیگر مطالعات صورت گرفته روی این موضوع نیز نشان می‌دهد که سودآوری و همچنین سپرده‌گیری درست بانک‌ها می‌تواند منجر به افزایش میزان شفافیت آن‌ها گردد (چن و همکاران^۵، ۲۰۲۰). ریشه موضوع به این برمی‌گردد که در صورت حضور فعال سپرده‌گذاران به عنوان مهم‌ترین بستانکاران بانک، فشار جمعی آن‌ها منجر به عدم توانایی بانک در تخطی از ارائه گزارش‌های کامل و پیاپی و

1. Patriating out effect
2. Estimation bias
3. Return on asset
4. Return on equity
5. Chen

شفاف سازی میزان سلامت و همچنین برنامه‌های پیش روی آن‌ها می‌باشد (کالمیریس و کان^۱، ۱۹۹۱). از طرفی در صورتی که سپرده‌گذاران به صورت پیاپی از بانک درخواست شفافیت در اعلام وضعیت سلامت را نکنند، بانک می‌تواند کاملاً رفتارهای کژمنشانه^۲ از خود نشان داده و از مسئولیت محدود بودن خود سوءاستفاده کند. از طرف دیگر افزایش میزان سود بانک‌ها منجر به جذب سرمایه‌گذارانی خواهد شد که در جهت بیشینه‌سازی سود خود اقدام به درخواست‌های مکرر از مسئولین بانک برای انتشار کامل و به موقع اطلاعات خواهند کرد.

شفافیت و ریسک‌پذیری بانک‌ها

ریسک‌پذیری بانک‌ها همواره رابطه مستقیمی با تمایل آن‌ها برای افشای منظم اطلاعات داشته است. به عنوان مثال سرایری^۳ (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که هرچقدر میزان ریسک‌پذیری بانک‌های اسلامی بیشتر گردد، میزان افشای اطلاعات آن‌ها کمتر خواهد بود. مبتنی بر نتایج مندرج در جدول (۳) ضریب تخمینی دارایی موزون به عنوان اولین مؤلفه ریسک‌پذیری بانک‌ها، مثبت و معنی‌دار در سطح یک درصد است. هرچه قدر میزان ریسک‌پذیری بانک بیشتر باشد، وزن آن دارایی در محاسبه دارایی موزون کمتر می‌شود. در نتیجه هرچقدر دارایی موزون بانکی بیشتر باشد، میزان ریسکی که بانک برای سرمایه‌گذاری پذیرفته است کمتر و در نتیجه تمایل بانک برای شفاف عمل کردن بیشتر است. دقت می‌کنیم که در صورتی می‌توان ادعا کرد که ضریب دارایی موزون از طریق ریسک‌پذیری روی شفافیت عمل می‌کند که متغیر دیگری برای اندازه‌گیری اندازه بانک کنترل شده باشد. زیرا در غیر این صورت، دارایی موزون بیشتر می‌تواند ناشی از بزرگ‌تر بودن سبد سرمایه‌گذاری بانک باشد. برای حل این موضوع میزان سپرده بانک‌ها به عنوان متغیری برای اندازه بانک کنترل شده است. دلیل اینکه مجموع دارایی بانک به عنوان متغیر اندازه بانک کنترل نشده این است که همبستگی بالای دارایی و دارایی موزون - که مقدار آن طبقه یافته‌های تحقیق ۷۳ درصد است - منجر به مسئله هم خطی^۴ خواهد شد.

سرمایه‌گذاری در سهام دومین متغیر در حوزه ریسک‌پذیری بانک است که در مدل کنترل شده است. ضریب تخمینی این متغیر منفی و در سطح یک درصد معنادار است. هر یک میلیون

1. Calomiris, C.W. and Kahn
2. Moral hazard behavior
3. Srairi
4. Collinearity

تومان سرمایه‌گذاری در سهام معادل با کاهش ۲/۷ درصدی میزان شفافیت بانک است. ضریب نگهداری اوراق دولتی مثبت و معنی‌دار در سطح اطمینان ده درصد است. مکانیزم اثرگذاری اوراق دولتی، دقیقاً برخلاف سرمایه‌گذاری در سهام است که منجر به افزایش ریسک و کاهش تمایل بانک‌ها به افشای کامل اطلاعات می‌شود. متغیر بعدی که عملاً مهم‌ترین متغیر برای شناسایی میزان سلامت بانک‌ها است نسبت کفایت سرمایه است.

متغیر ریسک بعدی مانده مطالبات بانک از شرکت‌های فرعی و وابسته است که جهت کنترل وضعیت حاکمیت شرکتی بانک در مدل آورده شده است. متأسفانه یکی از مهم‌ترین مسئله‌های امروز نظام بانکی کشور، وجود ساختار لایه‌لایه در شرکت‌های بزرگ و وابسته به نظام بانکی است. وجود این ساختار هر می‌تواند منجر به بروز مشکلات بسیاری در حاکمیت شرکتی لایه‌های پایین‌تر بشود. یکی از رایج‌ترین این مشکلات این است که در صورت عمومی بودن شرکت‌های لایه‌های پایین‌تر، مسئولان شرکت‌های لایه بالاتر می‌توانند اقدام به خرید شخصی سهام شرکت‌های لایه پایین‌تر، افزایش قیمت سهام شرکت‌های لایه پایینی و سپس فروش در قیمت‌های بالاتر بکنند. از طرفی شرکت‌های لایه‌های بالاتر می‌توانند به نحوی چینش ساختار شرکت‌های پایین‌تر را انجام دهند تا سیاست‌های شرکت‌های لایه پایینی به نفع شرکت‌های لایه بالاتر بشود و در نتیجه مدیران لایه‌های بالاتر پاداش بیشتری بگیرند.

همان‌طور که از جدول مشخص است، افزایش وام‌دهی به شرکت‌های زیرمجموعه، تأثیر منفی روی شفافیت بانک‌ها دارد. به‌عنوان متغیر چهارم تأثیر مطالبات مشکوک‌الوصول بانک‌ها بر روی شفافیت نیز منفی و معنادار است.

تخمین ضریب بدهکاران کلان بانکی بر روی شفافیت بانک‌ها نیز نشان می‌دهد که افزایش درصد بدهی‌های غیرجاری به کل بدهی‌های کلان بانک تأثیر چشمگیری بر روی شفافیت بانک‌ها می‌گذارد. تفسیر این ضریب نیز به عدم تمایل بانک به افشای منظم اطلاعات در زمانی که بدهکاران کلان اقدام به نکول کرده‌اند برمی‌گردد. اگرچه طلب‌های غیردولتی تأثیر معناداری بر روی میزان شفافیت بانک ندارد، اما طلب از دولت ارتباط منفی و معناداری با تمایل بانک برای پابندی به مؤلفه‌های شفافیت دارد.

شفافیت و بازار مالی

آخرین گروه از متغیرهایی که اثر آن‌ها بر شفافیت تخمین زده شده است، بر اساس جدول (۴) متغیرهای مرتبط با بازار بورس است. ضرایب تخمینی برای تعداد سهام، قیمت سهم و اندازه بازار بانک معنادار نمی‌باشند. ضریب تخمینی نسبت ارزش دفتری به ارزش بازاری در سطح معناداری یک درصد معنادار و منفی است. به طور کلی نسبت ارزش دفتری به بازاری نمایانگر نگاه بازار به شرکت است. هرچقدر نسبت ارزش دفتری به ارزش بازاری بیشتر باشد به این معنی است که سهام‌داران بازار ارزش کمتری برای شرکت نسبت به ارزش دفتری آن قائل هستند. معنای ضریب منفی تخمین زده شده این است که هرچقدر نسبت ارزش دفتری به بازاری بیشتر باشد، بازار کمتر برای این شرکت ارزش قائل بوده و در نتیجه فشار جمعی سهام‌داران بر روی بانک کمتر است که منجر به کاهش انگیزه بانک برای افشای منظم اطلاعات می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، در ابتدا به نحوه محاسبه شاخص شفافیت اعضای شبکه بانکی کشور پرداخته شد. این شاخص در گروه‌بندی‌های مختلف طراحی گردید، به نحوی که تفاوت شاخص برای بانک‌های دولتی و خصوصی و به همین ترتیب برای بانک‌های بورسی، فرابورسی و غیر بورسی نشان داده شد. نتایج نشان می‌دهند که بانک‌های خصوصی در دهه نود پایداری بالاتری به شفافیت نسبت به بانک‌های دولتی داشته‌اند ولیکن از منظر حکمرانی شرکتی به ویژه در خصوص ساختار لایه لایه شرکت‌های وابسته غیرشفاف‌تر عمل نمودند. حضور بانک‌ها در بازار سرمایه منجر به پایداری بیشتر آن‌ها به مؤلفه‌های شفافیت شده است. در ادامه با استفاده از روش رگرسیون خطی به بررسی عوامل مؤثر بر شفافیت نظام بانکی پرداخته شد، به نحوی که نتایج در سه بخش عوامل مرتبط با واسطه‌گری مالی بانک‌ها، عوامل مرتبط با ریسک‌پذیری بانک‌ها و به همین ترتیب عوامل مرتبط با فعالیت بانک‌ها در بازار سرمایه نشان داده شد. در بخش واسطه‌گری نتایج نشان می‌دهند که بانک‌های سودآورتر، چه در صورت‌های مالی و چه در بازار مالی، در عمق و زمان‌بندی انتشار اطلاعات شفاف و منظم‌تر عمل کرده‌اند. این شفافیت بیشتر در بانک‌های با سودآوری بالاتر را می‌توان به فشار جمعی سهام‌دارانی که به دلیل سود بانک در بازار جذب آن شده‌اند نسبت داد.

به‌طور کلی هرچقدر شرکتی سوددهی بیشتری داشته باشد، سهام‌داران پیگیری بیشتری در جهت حفظ سود خواهند داشت که منجر به شفافیت و سوددهی شرکت در آینده خواهند شد. دسته بعدی و بسیار مهم از متغیرها، متغیرهای مرتبط با ریسک‌پذیری بانک‌ها است. در این دسته از متغیرها نشان داده شد که دارایی‌های موزون، نسبت کفایت سرمایه و داشتن اوراق دولتی بیشتر منجر به افزایش میزان شفافیت اعضای شبکه بانکی کشور می‌شود. افزایش میزان این مؤلفه‌ها مترادف با کاهش ریسک‌پذیری بانک‌ها و در نتیجه افزایش تمایل برای شفافیت در عملیات است. به همین ترتیب افزایش سرمایه‌گذاری در سهام منجر به افزایش ریسک‌پذیری و کاهش شفافیت بانک‌ها می‌گردد. افزایش مانده مطالبات از شرکت‌های فرعی و وابسته به‌عنوان مهم‌ترین شاخص در دسترس برای بنگاه‌داری بانک‌ها، و همچنین افزایش مطالبات مشکوک‌الوصول منجر به کاهش شفافیت بانک‌ها می‌شود. افزایش بدهی‌های کلان بانک‌ها نیز منجر به کاهش شفافیت اعضا می‌شود. در میان متغیرهای بازار نیز نسبت ارزش دفتری به ارزش بازاری منجر به کاهش شفافیت می‌شود که معنای ضریب منفی تخمین زده شده این است که هرچقدر نسبت ارزش دفتری به بازاری بیشتر باشد، بازار کمتر برای این شرکت ارزش قائل بوده و در نتیجه فشار جمعی سهام‌داران بر روی بانک کمتر است که منجر به کاهش انگیزه بانک برای افشای منظم اطلاعات می‌شود. در مجموع می‌توان بیان داشت ایجاد زمینه‌های شفافیت در همه ابعاد و فعالیت‌های بانک‌ها از اهمیت زیادی به‌ویژه از حیث نظارت بر فعالیت بانک‌ها برخوردار است که متأسفانه در کشور ما این مهم علی‌رغم اهمیت بسیار زیاد آن مورد غفلت واقع شده است که ضروری است سیاست‌گذار نسبت به ایجاد زیرساخت‌های شفافیت به‌ویژه از طریق اصلاح ساختار حکمرانی شرکتی در بانک‌ها اقدام نماید.

پیوست

متغیرهای مرتبط با شاخص شفافیت:

- اطلاعات مربوط به عمق افشای صورت‌های مالی سالانه
 - انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات بر حسب زمان سررسید
 - انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات بر حسب نوع تسهیلات

- انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات برحسب نوع مشتری
 - انتشار وضعیت نکول تسهیلات بر اساس مصوب شورای پول و اعتبار
 - انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات مشکوک‌الوصول بالای پنج سال (دستورالعمل نحوه محاسبه ذخیره مطالبات مؤسسات اعتباری)
 - انتشار اطلاعات مربوط به سپرده‌ها برحسب نوع مشتری
 - انتشار اطلاعات مرتبط با میزان سرمایه لایه یک، لایه دو و نسبت‌های کفایت سرمایه
 - انتشار مانده تصفیه نشده اسناد پرداختی که طی دوره آتی سررسید می‌گردند
 - مانده اقلام زیرخط ترازنامه نظیر بروات قبولی نویسی شده، انواع ضمانت‌نامه‌ها، انواع اعتبارات اسنادی، ظهرنویسی‌ها، وجوه اداره شده، تضمینات
 - انتشار اطلاعات مربوط به کفایت سرمایه و نسبت‌های اهرمی
 - ساختار مالکیت شامل فهرست سهام‌داران عمده بالای یک درصد و تغییرات آن در طی دوره
- اطلاعات مربوط به عمق افشای صورت‌های مالی شش‌ماهه
 - انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات برحسب زمان سررسید
 - انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات برحسب نوع تسهیلات
 - انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات برحسب نوع مشتری
 - انتشار وضعیت نکول تسهیلات بر اساس مصوب شورای پول و اعتبار
 - انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات مشکوک‌الوصول بالای پنج سال (دستورالعمل نحوه محاسبه ذخیره مطالبات مؤسسات اعتباری)
 - انتشار اطلاعات مربوط به سپرده‌ها برحسب نوع مشتری
 - انتشار اطلاعات مرتبط با میزان سرمایه لایه یک، لایه دو و نسبت‌های کفایت سرمایه
 - انتشار مانده تصفیه نشده اسناد پرداختی که طی دوره آتی سررسید می‌گردند
 - مانده اقلام زیرخط ترازنامه نظیر بروات قبولی نویسی شده، انواع ضمانت‌نامه‌ها، انواع اعتبارات اسنادی، ظهرنویسی‌ها، وجوه اداره شده، تضمینات
 - انتشار اطلاعات مربوط به کفایت سرمایه و نسبت‌های اهرمی

- اطلاعات مربوط به عمق افشای صورت‌های مالی سه و نه‌ماهه
 - انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات برحسب زمان سررسید
 - انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات برحسب نوع تسهیلات
 - انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات برحسب نوع مشتری
 - انتشار وضعیت نکول تسهیلات بر اساس مصوب شورای پول و اعتبار
 - انتشار اطلاعات مربوط به تسهیلات مشکوک‌الوصول بالای پنج سال (دستورالعمل نحوه محاسبه ذخیره مطالبات مؤسسات اعتباری)
 - انتشار اطلاعات مربوط به سپرده‌ها برحسب نوع مشتری
 - انتشار اطلاعات مرتبط با میزان سرمایه لایه یک، لایه دو و نسبت‌های کفایت سرمایه
 - انتشار مانده تصفیه نشده اسناد پرداختنی که طی دوره آتی سررسید می‌گردند
 - مانده اقلام زیرخط ترازنامه نظیر بروات قبولی‌نویسی شده، انواع ضمانت‌نامه‌ها، انواع اعتبارات اسنادی، ظهرنویسی‌ها، وجوه اداره شده، تضمینات
 - انتشار اطلاعات مربوط به کفایت سرمایه و نسبت‌های اهرمی
- انتشار اطلاعات مالی بانک در وبسایت بانک
- مؤلفه‌های مربوط به زمان انتشار صورت‌های مالی
 - بررسی انتشار صورت‌های مالی سالانه تا قبل از تیرماه سال بعد
 - بررسی انتشار صورت‌های مالی شش‌ماهه (شهریورماه) تا قبل از آبان‌ماه
 - بررسی انتشار صورت‌های مالی سه‌ماهه (تیرماه) و نه‌ماهه (آذرماه) تا پایان ماه بعد

فهرست منابع

- Ahmadi, Z., and Farhanian, M. (1393). Measuring systemic risk with conditional value-at-risk approach and final expected loss in Tehran Stock Exchange. *Stock Exchange Quarterly*, 7 (26), 3-22. [In Persian]
- Arin Tabar, Ahmed, Fil Saraei, Mehdi and Bakhtiari, Faezeh. (1401). Investigating the role of non-transparency of financial information and audit quality on the relationship between aggressive taxation and stock price synchronization in companies listed on the stock exchange. *Budget and Finance Strategic Research* 3(4), 127-89. [In Persian]
- Azari Qahlo, AM, Rostgar, M., and Azizzadeh, F. (۱۳۹۵). Comparison of systemic risk measurement approaches in Tehran stock exchange companies. Master's thesis, Kharazmi University, Faculty of Financial Sciences, Tehran. [In Persian]
- Barth, J. R., Caprio, G., & Levine, R. (2013). Bank regulation and supervision in 180 countries from 1999 to 2011. *Journal of Financial Economic Policy*.
- Basel Committee on Banking Supervision, Standards Revised Pillar 3 Disclosure Requirements, Bank for International Settlements, January 2015
- Battaglia, F., & Gallo, A. (2017). Strong boards, ownership concentration and EU banks' systemic risk-taking: Evidence from the financial crisis. *Journal of International Financial Markets, Institutions and Money*, 46, 128-146.
- Baumann, U., & Nier, E. (2005). *Disclosure, volatility, and transparency: an empirical investigation into the value of bank disclosure*. SSRN.
- Baumann, U.; Nier, E. (2006). Market discipline, disclosure and moral hazard in banking. *Journal of Financial Intermediation*, 15, 332-361. doi:10.1016/j.jfi.2006.03.001
- Baumann, U.; Nier, E. (2003). Market discipline and financial stability: some empirical evidence. *Financial Industry and Regulation Division, Bank of England, Financial Stability Report*. Retrieved May 5, 2011, from <http://www.bankofengland.co.uk/publications/fsr/2003/fsr14art7.pdf>
- Calomiris, C. W., & Mason, J. R. (2003). Consequences of bank distress during the Great Depression. *American Economic Review*, 93(3), 937-947.
- Calomiris, C.W. and Kahn, C.M., 1991. The role of demandable debt in structuring optimal banking arrangements. *American Economic Review*, pp.497-513.
- Douissa, I. B. (2011). Measuring banking transparency in compliance with Basel II requirements. *Current Issues of Business & Law*, 6(1), 90-110.
- Gorton, G. (2013). The development of opacity in U.S. banking. Working paper. Yale University.
- Kaviani, Maitham and Fakhrosseini, Seyyed Fakhreddin. (1402). The effect of inclusive financial disclosure on bank performance: the moderating role of market competition and ownership structure. *Strategic Budget and Finance Research* 4(3), 107-131. [In Persian]
- Madrakian, Hassan and Hossein, Karbasi Yazdi and Abbas, Khosh Mehr. Evaluating the usefulness of independent auditor and legal inspector's report clauses in the transparency of financial statements of commercial banks, *Financial Accounting and Audit Research Journal*, 2009. [In Persian]
- Mehrani, Sasan, and Mohammadi Oroja, Faezeh. (1400). Investigating the impact of lack of banking transparency on the ability to apply waiver policy by the regulatory authority. *Accounting and auditing reviews*, 28(3), 487-506. [In Persian]
- Nasution, A. H., Nasution, B., & Saidin, O. K. (2020). Transparency standards and information disclosure of bank business activities. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 452, No. 1, p. 012040). IOP Publishing.

- Nier, E. (2005). Bank stability and transparency. *Journal of Financial Stability*, 1(3), 342–354. doi:10.1016/j.jfs.2005.02.007
- Oino, I. (2019), "Do disclosure and transparency affect bank's financial performance?", *Corporate Governance*, Vol. 19 No. 6, pp. 1344-1361. <https://doi.org/10.1108/CG-12-2018-0378>
- Srairi, S. (2019). Transparency and bank risk-taking in GCC Islamic banking. *Borsa Istanbul Review*, 19, S64-S74.
- Tadesse, S. (2006). The economic value of regulated disclosure: Evidence from the banking sector. *Journal of accounting and Public Policy*, 25(1), 32-70.
- Zaman, R., Arslan, M., & Siddiqui, M. A. (2014). Corporate governance and firm performance: the role of transparency & disclosure in banking sector of Pakistan. *International letters of social and humanistic sciences*, 43, 152-166

